

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مناجاء الشاکرین

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِلٰهِيْ اُذْهَلِنِيْ  
عَنْ اِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعُ طَوْلِكَ وَ  
اَعْجَزَنِيْ عَنْ اِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيَضُ فِضْلِكَ

به نام خدای بخشنده مهربان ای خدا

نعمتهای پی در پی تو مرا از انجام

وظیفه شکرگزاری غافل کرد و فیضان

دریای کرمت مرا از ستایش عاجز

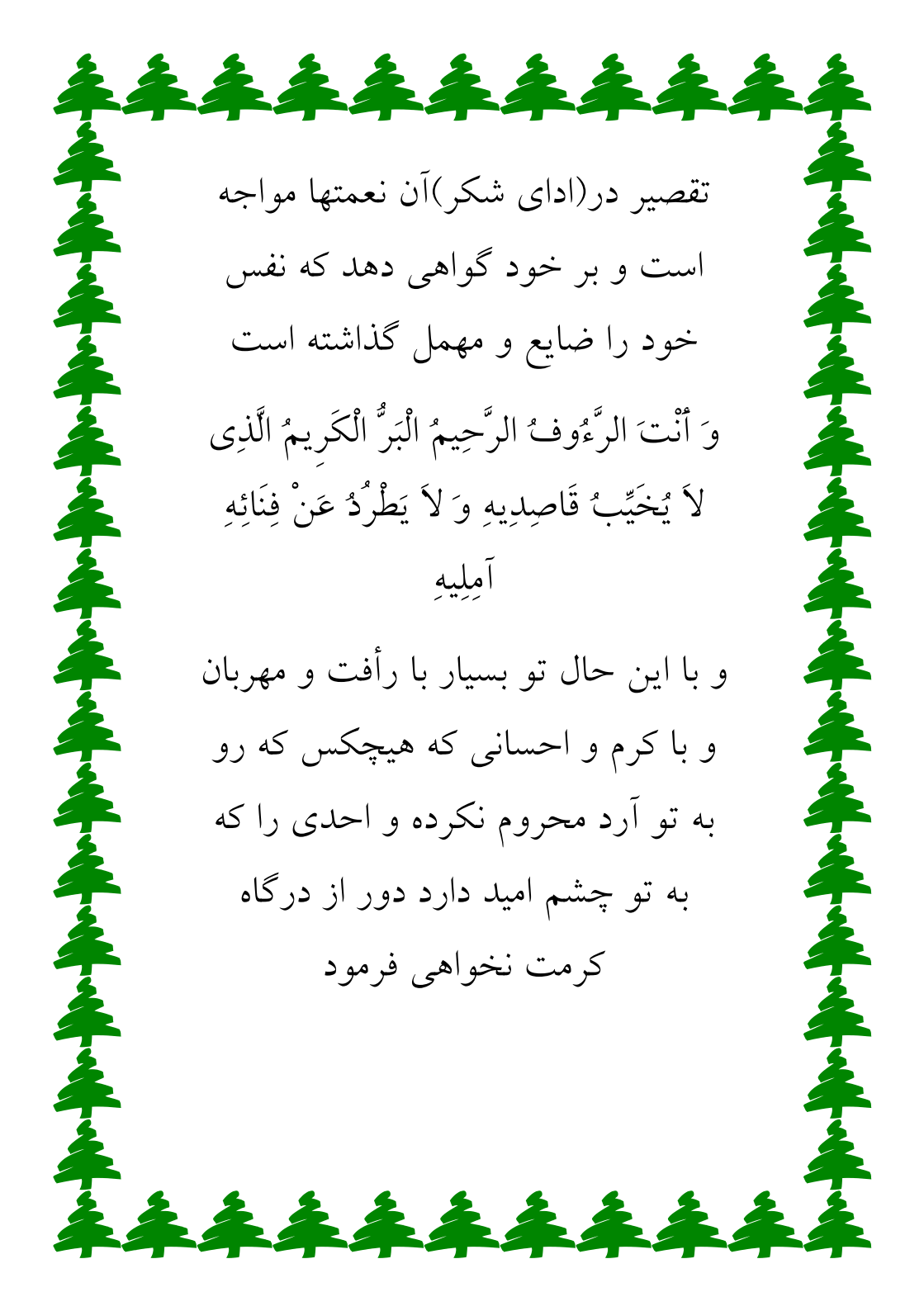
گردانید

وَشَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ  
عَوَائِدِكَ وَأَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ  
تَوَالِي أَيَادِيكَ

و عطای پیوسته‌ات مرا از ذکر اوصاف  
جمالت باز داشته و مرحمت‌های متوالیت  
مرا از نشر و بیان نیکوئی‌هایت ناتوان  
ساخته

وَ هَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَ  
قَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ  
بِالْإِهْمَالِ وَ التَّضْيِيعِ

این (ناتوانی) مقام کسی است که به  
نعمت‌های بی‌شمار وسیع تو معترف و با



تقصیر در (ادای شکر) آن نعمتها مواجه  
است و بر خود گواهی دهد که نفس  
خود را ضایع و مهمل گذاشته است  
وَ أَنْتَ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ الْبَرُّ الْكَرِيمُ الَّذِي  
لَا يُخَيِّبُ قَاصِدِيهِ وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فَنَائِهِ  
أَمْلِيهِ

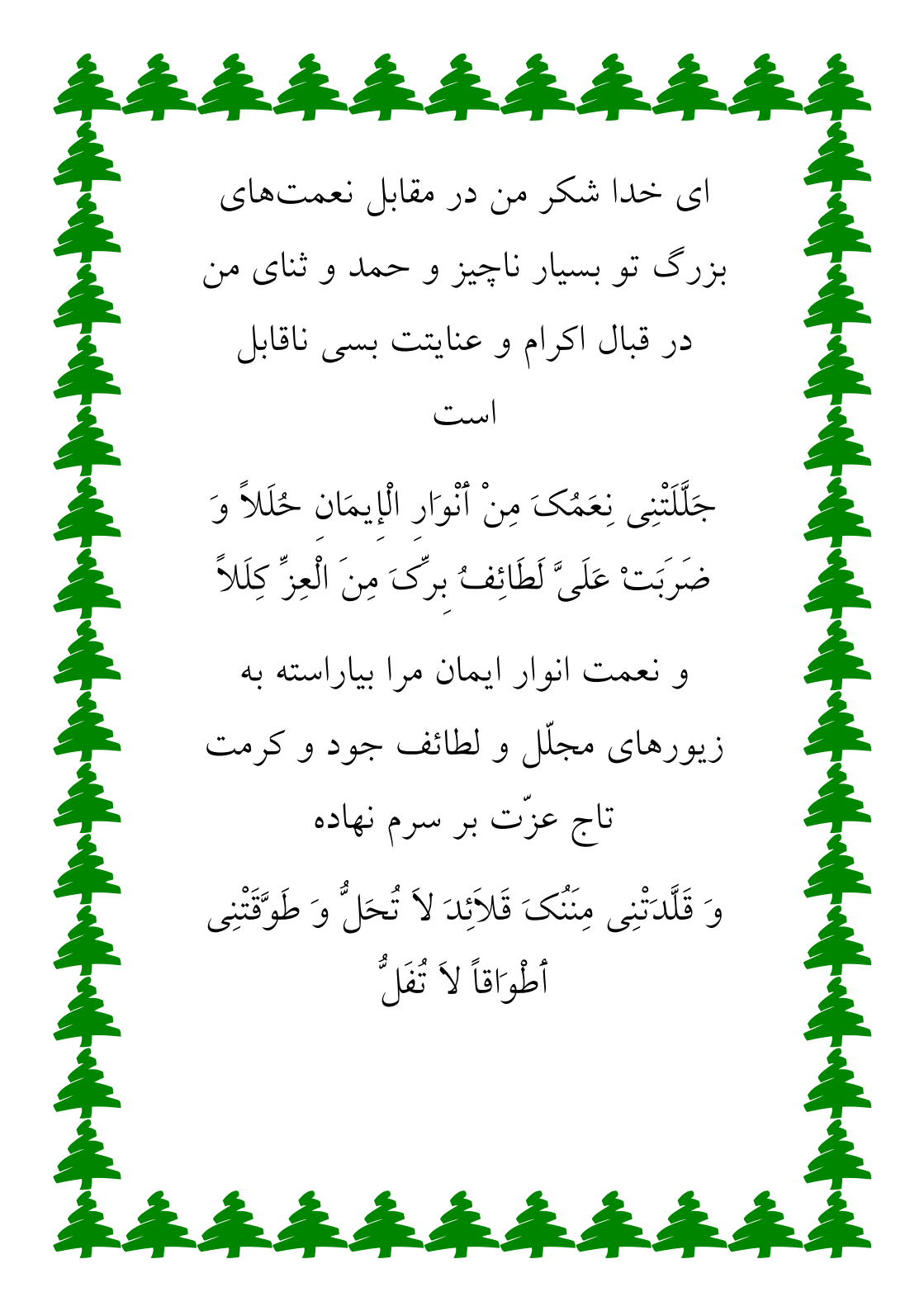
و با این حال تو بسیار با رأفت و مهربان  
و با کرم و احسانی که هیچکس که رو  
به تو آرد محروم نکرده و احدی را که  
به تو چشم امید دارد دور از درگاه  
کرمت نخواهی فرمود

بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ الرَّاجِينَ وَ  
بِعَرَصَتِكَ تَقِفُ آمَالُ الْمُسْتَرْفِدِينَ

ای که امیدواران همه به ساحت قدس  
تو بار افکنند و طالبان عطا به عرصه  
عنایت اقامت کنند

فَلَا تُقَابِلْ آمَالَنَا بِالتَّخِيْبِ وَ الْإِيَّاسِ وَ لَا  
تُلْبِسْنَا سِرْبَالَ الْقُنُوطِ وَ الْإِبْلَاسِ

امیدهایی که به تو داریم با مایوسی  
روبرو مگردان و جامه نومیدی میپوشان  
إِلَهِي تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظِمِ آلائِكَ شُكْرِي وَ  
تَضَاءَلُ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِيَّايَ ثَنَائِي وَ  
نَشْرِي



ای خدا شکر من در مقابل نعمت‌های  
بزرگ تو بسیار ناچیز و حمد و ثنای من  
در قبال اکرام و عنایت بسی ناقابل  
است

جَلَّلْتَنِي نِعْمَكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلَلًا وَ  
ضَرَبْتَ عَلَيَّ لَطَائِفَ بَرِّكَ مِنَ الْعِزِّ كِلَالًا

و نعمت انوار ایمان مرا بیاراسته به  
زیورهای مجلل و لطائف جود و کرم  
تاج عزت بر سرم نهاده

وَ قَلَّدْتَنِي مِنْكَ قَلَائِدَ لَا تُحَلُّ وَ طَوَّقْتَنِي  
أَطْوَاقًا لَا تُفَلُّ

و احسانهای رشته علاقه‌ای و طوقهای  
شرافتی بر گردنم افکنده که دیگر  
گشوده نگردد

فَالْأَوْكَ جَمَّةٌ ضَعْفٌ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا  
وَنَعْمَاؤُكَ كَثِيرَةٌ قَصْرَ فَهْمِي عَنْ إِدْرَاكِهَا  
فَضْلًا عَنْ اسْتِقْصَائِهَا

آنقدر نعمتهای تو زیاد است که زبانم از  
شمارش ناتوان و به حدی بسیار است  
که فهمم از ادراکش قاصر است تا چه  
رسد که همه را بتواند اندازه یافت

فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ وَ شُكْرِي  
إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ فَكُلَّمَا قُلْتُ لَكَ

الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ  
الْحَمْدُ

پس من چگونه توانم شکر آن نعم را  
بجای آرم و حال آنکه شکر تو گفتن  
شکری بر آن لازم است پس من هر چه  
حمد و شکرست گویم بر آن تو را نیز  
حمد و شکری دیگر باید گفت

إِلَهِي فَكَمَا غَذَيْتَنَا بِلُطْفِكَ وَرَبَّيْتَنَا  
بِصُنْعِكَ فَتَمِّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النِّعَمِ وَادْفَعْ  
عَنَّا مَكَارِهِ النِّقَمِ

ای خدا چنانکه ما را در اول به لطف  
خود غذا دادی و در مهد حکمت و

صنعت پرورش دادی پس نعمتهای بی  
حدّت را بر ما به اتمام رسان و  
ناگواریهای انتقامت را دفع گردان  
وَ آتِنَا مِنْ حُظُوظِ الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا وَ  
أَجَلَّهَا عَاجِلًا وَ آجَلًا

و به ما در دو عالم بالاتر و بزرگتر حظ  
و بهره را کرامت فرما

وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بَلَائِكَ وَ سُبُوغِ  
نِعْمَائِكَ حَمْدًا يُؤَافِقُ رِضَاكَ

و ستایش مخصوص توست بر ابتلاء و  
آزمایش نیکویت و وفور نعمتهایت آن  
گونه ستایشی که پسند توست

وَيَمْتَرِي الْعَظِيمَ مِنْ بَرِّكَ وَ نَدَاكَ يَا  
عَظِيمُ يَا كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ

و احسان و عطای بزرگ تو را بر ما  
قرار می دارد ای خدای بزرگ با کرم و  
احسان به حق رحمت ای مهربانترین  
مهربانان عالم.